

پرسش ۳۵: سؤال ماجد المهدي درباره‌ی دو اسم مخفی در سوره‌ی فاتحه

السؤال / ۳۵: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين، السيد أحمد الحسنی ... السلام عليكم ورحمة الله و بركاته

أنا مؤلف لبحث عن الإمام المهدي (ع) بعنوان: (بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي(ع)) و يمكن الاطلاع عليه في الموقع التالي:

<http://www.geocities.com/almahdion2022>

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين. سيد احمد الحسنی ... السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.
من مؤلف تحقیقی درباره‌ی امام زمان(ع) هستم با عنوان «آغاز جنگ آمریکا علیه امام مهدي(ع). می‌توانید این کتاب را در سایت زیر ببینید....»

<http://www.geocities.com/almahdion2022>

ولقد أظعنني أحد الأخوة على ما تدعون إليه، وأعطاني عنوان موقعكم ليتسنى لي الاطلاع الموسع على آرائكم ودعواكم، وأنا في الحقيقة - واعدرني على كلامي هذا - لم أجد في دعواكم إلا كلام لا يغني ولا يضمن، وهو كلام قاله وادعاه الكثير من الناس على مرّ الزمان، ولم يثبت عندي إنّ الإمام الحجة (عجل الله سبحانه وتعالى فرجه الشريف) سيرسل رسول للناس، ولكنني عرفت بعض الأمور التي لم أنكرها في الكتاب، ولهذا فإذا كنتم ما تقولون حقاً فوجب عليكم الإحاطة بها؛ لأنكم تدعون إنكم أعلم الناس الآن بكتاب الله سبحانه وتعالى، وسؤالي هو: هناك اسمان مضمران في سورة الفاتحة ويستخرجان منها، وهما يكتبان بغير ما هو معروف عنهما، وأحدهما يكتب من اليمين لليسا، والآخر من اليسار لليمين، فما هما هذان الاسمان، وكيفية إظهارهما؟ وأنا إذا استلتم منكم جواباً على تساؤلي هذا فأنا إن شاء الله من المبايعين لكم، أمّا إذا لم أستلم ما يفيد الإجابة ففي هذا إشارة منكم لبطلان دعواكم.

و الحمد لله رب العالمين الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله،
وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

ماجد المهدي - ٢٤ / ربيع الثاني / ١٤٢٦ هـ . ق

یکی از برادران، ادعای شما را به من اطلاع داد و آدرس سایت شما را به من داد تا بتوانم بیشتر از نظریات و ایده‌های شما آگاهی یابم. از این سخنم معذرت می‌خواهم ولی من چنین می‌پندارم که سخن شما به هیچ دردی نمی‌خورد و این ادعایی است که بسیاری از مردم در طول تاریخ بارها آن را ادعا کرده‌اند و برای من ثابت نشده است که امام زمان (ع) فرستاده‌ای از جانب خود برای مردم خواهد فرستاد. من چیزهایی فهمیده‌ام که آنها را در کتابم ذکر نکرده‌ام. اگر آنچه را که می‌گویید واقعیت داشته باشد باید به آن احاطه‌ی کامل داشته باشید؛ چرا که شما ادعا می‌کنید عالم‌ترین مردم به کتاب خداوند سبحان و متعال می‌باشید. سؤال من این است... دو اسم که در سوره‌ی فاتحه پنهان‌اند و از آن قابل استخراج می‌باشند و آن دو اسم به شکلی نامألوف نوشته شده، یکی از آنها از راست به چپ و دیگری از چپ به راست نوشته شده است؛ این دو اسم کدام‌اند و چطور آنها استخراج می‌شوند؟ اگر من جوابی از شما دریافت کنم انشاء الله با شما بیعت خواهم کرد اما اگر پاسخی قانع‌کننده از شما دریافت نکردم، دلیلی بر باطل بودن ادعای شما خواهد بود.

و الحمد لله رب العالمين الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله و صلى
الله على سيدنا محمد و على آله الطيبين الطاهرين.

ماجد المهدي - ٢٤ ربيع الثاني ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلی الله على
محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

(إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ
مَشْهُودٌ * وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ) ([154]).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

(در اینها برای کسانی که از عذاب آخرت بیمناک اند عبرتی است. در آن روز که مردم گرد آورده شوند و آن روز که مردم را در آن حاضر آورند * و جز تا اندک مدتی به تأخیرش نمی اندازیم) ([155]).

۱- لو أنك اطلعت اطلاعاً بسيطاً وليس موسعاً على كتاب المتشابهات، والفاحة، والإضاءات، والعجل، وغيرها من الكتب الموجودة في الموقع التي بحسب رأيك كلام لا يعني ولا يسمن، لوجدتني بينت أن كل أسماء الله سبحانه وتعالى موجودة في سورة الفاتحة، واسم النبي (ص) وعلي (ع) وفاطمة والأئمة (ع) والمهديين كذلك.

۱ - اگر تو اندک اطلاعی (و نه اطلاعاتی وسیع) از کتابهای «متشابهات، تفسیر سوره‌ی فاتحه و روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان و فتنه‌ی گوساله» که در سایت وجود دارد، داشتی که به نظر تو به هیچ دردی نمی‌خورند، می‌فهمیدی که در آنجا بیان نمودم که تمامی اسامی خداوند سبحان و متعال و همچنین اسم پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) و فاطمه (ع) و ائمه (ع) و مه‌دیین (ع) در سوره‌ی فاتحه وجود دارد.

۲- إذا كان كلامي لا يعني ولا يسمن فلا داعي للاعتذار إلا اللغو، وإذا كان العكس فلا عذر إلا الاستغفار وطلب التوبة من الواحد القهار.

۲ - اگر کلام من به هیچ دردی نمی‌خورد، جایی برای عذرخواهی وجود ندارد؛ ولی اگر بر عکس باشد، هیچ عذرخواهی جایز نخواهد بود مگر استغفار و طلب توبه از خداوند واحد قهار.

٣- ولم يثبت عندك أنّ الإمام المهدي (ع) سيرسل رسولاً للناس، فمحمد ذو النفس الزكية أليس رسولاً؟ والمولى الذي يلي أمره أليس رسولاً؟ واليماني أليس رسولاً؟ وطالع المشرق أليس رسولاً؟ (اقرأ الأحاديث التي وردت عن آل محمد (ص) والتي استشهد بها الشيخ ناظم العقيلي (حفظه الله) في كتابه الرد القاصم، وهو عبارة عن مناظرة مع السيد السيستاني ومكتبه ومركز البحوث العقائدية التابع له)، لعل الله ينور قلبك ويهديك إلى الحق، وهذه جوهرة من بحر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع) ذكرني فيها.

٣ - اگر برایت ثابت نشده است که امام مهدی (ع) فرستاده‌ای را برای مردم خواهد فرستاد، آیا محمد دارای نفس زکیه، فرستاده نیست؟! آیا یمانی فرستاده نیست؟! آیا خروج‌کننده از مشرق، فرستاده نیست؟ روایت‌هایی که از آل محمد (ع) وارد شده است را بخوان و روایت‌هایی را که شیخ ناظم عقیلی (که خداوند حفظش کند) در کتاب خود «پاسخ کوبنده» به آنها استدلال کرده را نیز بخوان؛ این کتاب عبارت است از مناظره‌ای بین شیخ ناظم عقیلی و سید علی سیستانی و دفتر و مرکز تحقیقات عقایدی وابسته به او. شاید خداوند قلبت را نورانی و به حق هدایت کند. این هم گوهری از دریای امیر مؤمنان علی (ع) که در آن مرا ذکر فرموده است:

ورد عن الأصبع بن نباتة، قال: (أتيت أمير المؤمنين (ع) فوجدته ينكت في الأرض، فقلت له: يا أمير المؤمنين مالي أراك مفكراً تنكت في الأرض؟ أرغبة منك فيها؟ قال: لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا قط، ولكني تفكرت في مولود يكون من ظهر الحادي عشر من ولدي هو المهدي الذي يملأها عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً، يكون له حيرة وغيبة تضل فيها أقوام ويهتدي فيها آخرون. قلت: يا مولاي فكم تكون الحيرة والغيبة؟ قال: ستة أيام، أو ستة أشهر، أو ست سنين. فقلت: وإن هذا الأمر لكائن؟ فقال: نعم كما أنه مخلوق، وأنى لك بهذا الأمر يا أصبع، أولئك خيار هذه الأمة مع أبرار هذه العترة، قال: قلت: ثم ما يكون بعد ذلك؟ قال: ثم يفعل الله ما يشاء فإن له بداعات وإرادات وغايات ونهايات) ([156]).

از اصبع بن نباته روایت شده است که گفت: خدمت امیرالمومنین (ع) آمدم، دیدم ایشان چوبی در دست گرفته بود و به زمین می‌زند. به ایشان عرض کردم: ای امیرالمومنین! چه شده است که شما را می‌بینم متفکرانه سر چوب را به زمین می‌زنید؟ آیا به این زمین علاقه‌ای دارید؟ حضرت فرمود: «خیر، به خدا قسم که هیچ وقت رغبتی به زمین و دنیا نداشته‌ام، لکن در مورد مولودی فکر می‌کنم که از نسل فرزند یازدهم از فرزندانم می‌باشد، او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم و جور پر شده است. حیرت و غیبتی برای او پیش می‌آید که در آن بعضی از اقوام گمراه و بعضی دیگر هدایت می‌شوند». عرض کردم: ای امیرالمومنین! حیرت و غیبت چه مدتی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «شش روز یا شش ماه یا شش سال». عرض کردم: آیا واقعاً این امر صورت می‌گیرد؟ فرمود: «آری، گویی او خلق شده است، ولی ای اصبع تو را با این امر چه کار است؟ آنها نیکان این امتند همراه با نیکان این عترت». عرض کردم: بعد از آن چه می‌شود؟ فرمود: «پس از آن، هر چه خدا خواهد می‌شود زیرا برای خدا بدهاها و اراده‌ها و غایات و پایان‌ها است (هر طور که خدای تعالی بخواهد عمل می‌کند)» ([157]).

والحادي عشر من ولد أمير المؤمنين (ع) هو الإمام المهدي (ع)، والذي من ظهره هو المهدي الأول من المهديين الإثني عشر، وهو وصي ورسول الإمام المهدي (ع).

یازدهمین فرزند امیرالمؤمنین (ع)، امام مهدی (ع) است و کسی که از نسل او است، مهدی اول از مهدیون دوازده‌گانه که وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) می‌باشد.

وفي دعاء الإمام الرضا (ع) للإمام المهدي (ع): (... اللهم أعطه في نفسه وأهله وولده وذريته وأمه وجميع رعيته ما تقر به عينه ...) ([158])، فهذا الولد الذي خصّه الإمام الرضا (ع) بالدعاء هو المهدي الأول وصي ورسول الإمام

المهدي (ع)، فأحمد الله الذي جعلني مذكوراً عنده وعند آبائي الرسول الأعظم محمد (ص) وأمير المؤمنين علي (ع) والأئمة (ع) ولم يجعلني منسياً.

در دعای امام رضا(ع) برای امام مهدی(ع) آمده است: «... خدایا! به وی و خانواده‌اش و پسرش و اولادش و امتش و همگی پیروانش چیزی را عطا فرما که با آن شادمان شود...» [159]. این فرزندى که امام رضا(ع) در دعایش ذکر فرموده همان مهدی اول، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی(ع) می‌باشد. پس خدا را حمد و سپاس می‌گوییم که مرا نزد خودش و پدرانم، رسول اکرم(ص)، امیرالمؤمنین(ع) و ائمه(ع) یاد کرد و آنها(ع) مرا فراموش نکردند.

ثم إنك في كتابك الموسوم أوجبت إرسال الإمام المهدي رسولاً، فما عدا مما بدا، وهذا نص كلامك حيث قلت في الفصل الثالث: (وأرجو أن لا يكون القارئ كالذين قالوا لنبي الله موسى(ع) أرنا الله جهرة، والآن لو فرضنا أن الله سبحانه وتعالى أراد أن يوضح للناس أن ظهور الإمام المهدي (ع) قريب إن شاء الله، وإنهم يجب عليهم أن يناصروه لرفع راية لا إله إلا الله محمد رسول الله، فكيف يتم هذا التوضيح أو التبليغ؟ إذاً يجب أن يتم ذلك بأن يسخر سبحانه وتعالى من يشاء من عباده ليظهر على يديه ما يريد في الوقت المناسب، لضرورة معرفة هذا الأمر وفي هذا الوقت بالذات، حتى يقيم الحجة البالغة على عباده).

فهل نسيت أم تناسيت ما خطته يمينك في كتابك!؟

به علاوه تو خود در کتابت فرستاده شدن فرستاده‌ای از جانب امام مهدی(ع) را واجب دانسته‌ای؛ در فصل سوم کتابت گفته‌ای:

«امیدوارم خواننده‌ی این کتاب مانند کسانی نباشد که به موسی(ع) گفتند: خداوند را آشکارا به ما نشان بده. اکنون اگر فرض کنیم خداوند سبحان و متعال بخواهد به مردم بگوید که ظهور امام مهدی(ع) نزدیک (ان شاء الله) و بر آنها واجب است که او را یاری نمایند و پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله را بالا ببرند، چگونه برای مردم واضح و به ایشان تبلیغ خواهد شد؟ بنابراین، خداوند متعال باید یکی از بندگان خود را انتخاب

فرماید تا در وقت مناسب آنچه اراده می فرماید را به دست او اجرا کند، تا این امر ضروری در وقتش اعلام و حجت بالغه بر بندگان اقامه گردد».

آیا آنچه در کتابت نوشته‌ای را فراموش کردی یا خود را به فراموشی می‌زنی؟!!

۴- كيف تقرّر أني إذا لم أخض فيما خضت فيه أنت من حسابات (و قلب كلمات) تظن أنت إنها صحيحة، أكون قد ادعيت باطلاً، ما هكذا يا سعد تورد الإبل!!!

۴ - چطور چنین تصور می‌کنی که اگر من به چیزهایی که تو از محاسبات خودت (با برعکس کردن کلمات) به دست می‌آوری و تصور می‌کنی که درست است، وارد نشوم، ادعاهای من باطل است. ای سعد، شترها را اینچنین آب نمی‌دهند ([160])!

۵- وإذا كنت تلتزم بطريقتك في الحساب وأنت متيقن منها وبأحقيتها، فبنفس طريقتك وبما ثبت به حساب الأرقام عندك وتريد إثباته للناس احسب:

۵ - اگر به روش خودت در حساب اعداد پایبند هستی و به درست و حق بودنش یقین داری، به همان روش خودت و به روشی که حساب اعداد برای تو ثابت شده است و می‌خواهی آن را به مردم ثابت کنی، با من حساب کن:

من هو أحمد = هو رسول المهدي، كما حسبت من هو محمد = هو نبي الله، في كتابك الموسوم الفصل الثالث. ويحسب (المهدي) بالجمع الكبير وعدده (٩٠)، ويحول إلى الجمع الصغير فيصبح (٩)، كما حسبت في كتابك (محمد).

$$م + ن + ه + و + ا + ح + م + د$$

$$37 = 4 + 4 + 8 + 1 + 6 + 5 + 5 + 4$$

$$ه + و + ر + س + و + ل + (ا ل م ه د ي)$$

$$37 = (9) + 3 + 6 + 6 + 2 + 6 + 5$$

من هو احمد = هو رسول المهدى؛ همان طور که در فصل سوم کتابت حساب کردی: من هو محمد = هو نبی الله. المهدی با جمع بزرگ با عدد ۹۰ حساب و با جمع کوچک به ۹ تبدیل می‌گردد؛ همان گونه که در کتابت «محمد» را اینچنین حساب کردی.

$$37 = 4 + 4 + 8 + 1 + 6 + 5 + 5 + 4 = \text{د} + \text{م} + \text{ح} + \text{ا} + \text{و} + \text{ه} + \text{ن} + \text{م}$$

$$= (9) + 3 + 6 + 6 + 2 + 6 + 5 = (\text{ال م ه د ی}) + \text{ل} + \text{و} + \text{س} + \text{ر} + \text{و} + \text{ه}$$

37

وكذلك احسب: (ما هو كتاب الله) ستجده يساوي (هو رسول المهدي) كما حسبت في كتابك ما هو كتاب الله، هو القرآن الكريم.

$$\text{م} + \text{ا} + \text{ه} + \text{و} + \text{ك} + \text{ت} + \text{ا} + \text{ب} + \text{ا} + \text{ل} + \text{ل} + \text{ه}$$

$$37 = 5 + 3 + 3 + 1 + 2 + 1 + 4 + 2 + 6 + 5 + 1 + 4$$

$$\text{ه} + \text{و} + \text{ر} + \text{س} + \text{و} + \text{ل} + (\text{ال م ه د ي})$$

$$37 = (9) + 3 + 6 + 6 + 2 + 6 + 5$$

$$\text{ه} + \text{و} + \text{ا} + \text{ل} + \text{ق} + \text{ر} + \text{ا} + \text{ن} + \text{ا} + \text{ل} + \text{ك} + \text{ر} + \text{ي} + \text{م}$$

$$37 = 4 + 1 + 2 + 2 + 3 + 1 + 5 + 1 + 2 + 1 + 3 + 1 + 6 + 5$$

همچنین حساب کن: «ما هو كتاب الله» را برابر می‌یابی با «هو رسول المهدى»

همان طور که در کتابت حساب کردی: ما هو كتاب الله، هو القرآن الكريم.

$$4 + 2 + 6 + 5 + 1 + 4 = \text{ه} + \text{ل} + \text{ل} + \text{ا} + \text{ب} + \text{ا} + \text{ت} + \text{ك} + \text{و} + \text{ه} + \text{ا} + \text{م}$$

$$37 = 5 + 3 + 3 + 1 + 2 + 1 +$$

$$\text{ه} + \text{و} + \text{ر} + \text{س} + \text{و} + \text{ل} + (\text{ال م ه د ی}) = (9) + 3 + 6 + 6 + 2 + 6 + 5$$

37=

$$+ 3 + 1 + 6 + 5 = \text{م} + \text{ی} + \text{ر} + \text{ک} + \text{ل} + \text{ا} + \text{ن} + \text{ا} + \text{ر} + \text{ق} + \text{ل} + \text{ا} + \text{و}$$

$$37 = 4 + 1 + 2 + 2 + 3 + 1 + 5 + 1 + 2 + 1$$

فتبين لك مما سبق أنّ أحمد هو رسول المهدي، وكتاب الله، والقرآن الكريم الناطق، وبالطريقة التي جعلتها الدليل على مصداقية علم الحروف في كتابك الموسوم (بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي (ع)) ، فاتق الله والزم قول أمير المؤمنين علي (ع) بحق آل محمد (ص): (ولا تعلموهم فأنهم أعلم منكم) ([161]).

پس برای تو آشکار شد که احمد، فرستاده‌ی مهدی است و همچنين كتاب خدا و قرآن ناطق است، با همان روشی که تو آن را در کتابت «شروع جنگ آمریکا علیه امام مهدی» دلیلی برای درست بودن علم حروف قرار دادی. از خداوند بترس و به سخن امیرمؤمنان علی (ع) در حق خاندان محمد (ع) پایبند باش که فرمود: (به آنان آموزش ندهید که از شما عالم‌تراند) ([162]).

وبهذا لزمك الحجة التي تقرها في كتابك، فلا يقبل منك الإعراض وترك الجواب.

وأبين لك شيئاً من سر الرقم (٣٧).

قال تعالى: (فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) ([163]).

به این ترتیب، با همان روشی که خودت در کتابت اقرار نمودی، حجت بر تو تمام شد؛ پس روی برگرداندن و پاسخ نگفتن شما مورد قبول نخواهد بود.

حال از اسرار عدد ۳۷ برایت چیزهایی روشن می‌کنم.

خداوند متعال می‌فرماید: (سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج بازگردد،

تا ده روز کامل شود و این حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد) ([164]).

والعشرة هي السموات السبع (العرش العظيم) والكرسي والعرش الأعظم وسرادق العرش الأعظم، وهذه الثلاثة هي بيت الله ومدينة الكمالات الإلهية في الخلق ومدينة العلم (محمد ص)، فمن كان من آل محمد عشرته كلها في الحج أي في بيت الله، أي في مدينة العلم، أي في بيت النبوة ومعدن الرسالة وللمزيد

ولنتوضح لك الصورة أكثر اقرأ المتشابهات ج ٣ (سؤال حول سر الأربعين، سؤال حول العرش والكرسي).

ده، همان آسمان های هفت گانه (عرش عظیم) + کرسی + عرش اعظم + سرادق عرش اعظم است و این سه مورد یعنی خانه ی خدا، شهر کمالات الهی در مخلوقات و شهر علم حضرت محمد(ص). پس هر کس از خاندان محمد(ع) باشد، ده گانه ی ایمان او در حج یعنی در خانه ی خدا یعنی در مدینه ی علم یعنی در خانه ی نبوت و معدن رسالت می باشد؛ برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب متشابهات جلد ٣، سؤال درباره ی راز عدد چهل و سؤال درباره ی عرش و کرسی، مراجعه نما.

١- والرقم (٣٧) يتألف من الرقمين (٧،٣) ، ومجموعهما (١٠) ، وهي عشرة التوحيد، فمن أتمها وحج بيت الله وزار مدينة العلم وتم عقله وكان من الثلاث مائة وثلاثة عشر أصبح منا أهل البيت، وهذا ورد عن آبائي (ع): (الإيمان عشر درجات [165])، وسلمان أتم العاشرة (صلوات الله على سلمان)، فسلمان منا أهل البيت [166])، أما نحن أهل البيت فعشرتنا في الحج، وفي بيت الله.

١ - عدد ٣٧ از دو عدد ٣ و ٧ تشکیل شده است که جمع شان ١٠ می شود که همان مراتب ده گانه ی توحید است. پس هر کس آن را انجام دهد و به حج خانه ی خدا برود و شهر علم را زیارت کند و عقلش کامل گردد و جزو سیصد و سیزده نفر شود، از ما اهل بیت به شمار می رود. این مضمون از پدرانم (ع) روایت شده است: «ایمان ده درجه دارد» [167] و سلمان همه ی این ده درجه را به پایان رسانید، درود خدا بر سلمان باد. پس سلمان از ما اهل بیت است» [168]. ما اهل بیتیم و درجات ده گانه در حج و در خانه ی خدا.

٢- والرقم (٣٧) يتكون من (١٠ + ٢٧) ، والعشرة هي عشرة الحج، والسبعة والعشرون هي العلم المسموح ببثه في الناس كما في الروايات عنهم (ع) ، فمن

أتم عشرة الحج (عشرة الإيمان) أمكنه حمل السبعة والعشرين حرفاً من التوحيد التي يبتها الإمام المهدي (ع).

۲ - عدد ۳۷ از ۱۰ + ۲۷ تشکیل شده است؛ ۱۰ همان ده‌گانه‌ی حج و ۲۷ علمی است که انتشارش بین مردم اجازه داده شده است، همان طور که در روایات اهل بیت (ع) آمده است. پس هر کس ده‌گانه‌ی حج (درجات ده‌گانه‌ی ایمان) را تمام کند می‌تواند حامل ۲۷ حرف توحید که امام مهدی (ع) منتشر می‌سازد، باشد.

وقال تعالى: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) ([169]).

خداوند متعال می‌فرماید: (و ما بر آن هستیم که بر کسانی که روی زمین به استضعاف کشیده شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم) ([170]).

وهؤلاء الذين يريد الله أن يجعلهم أئمة هم آل محمد(ص) الأئمة والمهديون(ع) ، وكذلك الثلاث مائة وثلاثة عشر أصحاب الإمام المهدي (ع)، وفي أول سورة القصص سرّها وهو (طسم) وإذا حسبت عدد هذه الحروف المقطعة بالجمع الكبير.

ط + س + م

$$109 = 40 + 60 + 9$$

کسانی که خداوند اراده می‌فرماید تا ائمه قرار دهد، خاندان محمد (ع) ائمه و مهدیون (ع) و نیز سیصد و سیزده یار امام مهدی (ع) می‌باشند و این سرّ و راز آغاز سوره‌ی قصص یعنی «طسم» است؛ اگر عدد این حروف مقطعه را با جمع بزرگ حساب کنی:

$$109 = 40 + 60 + 9 = م + س + ط$$

فالنتيجة (٩+١٠٠) وإذا حولتها إلى الجمع الصغير (٩+١) يكون الناتج (١٠)، وهي عشرة الحج المتعلقة بالأئمة (الثلاث مائة وثلاثة عشر) المذكورين في الآية، وهي عشرة التوحيد فمن حج بيت الله تحلى بها وتم عقله وتيقن وثبت عنده الثابت ووحده سبحانه (هو)، وإذا جمعت حروف (هو) وجدتها.

هـ + و

$$11 = 6 + 5$$

پس نتیجه ٩ + ١٠٠ می باشد و اگر آن را به جمع کوچک تبدیل کنی ٩ + ١ نتیجه ١٠ می شود و این همان ده گانه ی حج مربوط به ائمه (سیصد و سیزده) است که در آیه ذکر شده است و همان ده گانه ی توحید می باشد. هر کس به حج خانه ی خدا برود، به آن آراسته و عقلش کامل می گردد و یقین پیدا می کند و همه چیز برایش ثابت می گردد و خداوند سبحان (هو) را به یگانگی می پرستد. اگر حروف «هو» را جمع کنی، می بینی:

$$هـ + و = 11 = 6 + 5$$

وهي (١٠+١) والعشرة قد عرفتها، وهي عشرة الحج والإيمان، والواحد سبحانه وتعالى، فمن تحلى بالعشرة، تيقن ووحد الواحد.

که ١ + ١٠ می باشد. حال ده گانه را شناختی که همان ده گانه ی حج و ایمان است و عدد یک همان خداوند سبحان و متعال می باشد؛ پس هر کس به این ده گانه آراسته باشد به وحدانیت خداوند یقین پیدا می کند.

وباختصار فقد بينت لك أنّ في هذا العدد (٣٧)، عشرة الحج والتوحيد وكذلك الـ (٢٧) حرفاً من علم التوحيد، فمن حج وتحلى بالعشرة أمكنه حمل ومعرفة الـ (٢٧) حرفاً حال بثها في الناس، وهي السر الذي لا يتحمله إلا نبي مرسل، أو ملك مقرب، أو مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان، وبالنتيجة تيقن ووحد الواحد سبحانه وتعالى (هو).

برای تو به اختصار بیان کردم که در این عدد (۳۷) ده‌گانه‌ی حج و توحید و نیز ۲۷ حرف از علم توحید وجود دارد. پس هر کس به حج برود و به این ده‌گانه آراسته گردد، امکان تحمل و شناخت ۲۷ حرف را وقتی بین مردم منتشر می‌شود، دارا می‌باشد، و این، سرّی است که هیچ کس تحملش را ندارد مگر پیامبر فرستاده شده یا فرشته‌ی مقرب یا مؤمنی که خداوند قلبش را با ایمان آزموده باشد؛ در نتیجه، بنده به یقین می‌رسد و به وحدانیت خداوند سبحان و متعال (هو) یقین پیدا می‌کند.

وأزیدك، فإذا جمعت (طسم) بالجمع الصغير.

$$= ط + س + م$$

$$19 = 4 + 6 + 9$$

وعدد حروف البسمة (۱۹) حرفاً، والبسمة آية التوحيد.

برای اینکه بیشتر بدانم، اگر «طسم» را با جمع کوچک حساب کنی:

$$ط + س + م = 4 + 6 + 9 = 19$$

و تعداد حروف «بسمة» (بسم الله الرحمن الرحيم) ۱۹ و بسمله، آیه‌ی توحید می‌باشد.

قال تعالى: (وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذُكِرْتِ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا) ([171])، أي قل: بسم الله الرحمن الرحيم كما ورد عنهم (ع) ([172])، وقد عرفت أنّ (طسم) أشارت إلى أهل التوحيد، وهم الثلاث مائة والثلاثة عشر، ولذا استوى عدد حروف آية التوحيد (بسم الله الرحمن الرحيم) مع عدد آية الموحدين (طسم) وأهل النار مشركون؛ ولذا جعل عليهم عدد آية الموحدين.

خداوند متعال می‌فرماید: (و بر دل‌هاشان پرده افکنیم تا آن را در نیابند و گوش‌هاشان سنگین کنیم، و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی،

باز می‌گردند و می‌رمند) ([173])؛ یعنی بگو: بسم الله الرحمن الرحيم، همان طور که از ائمه (ع) روایت شده است ([174]). پس دانستی که «طسم» اشاره به اهل توحید دارد که آنها ۳۱۳ نفرند و از همین رو، عدد حروف آیهی توحید (بسم الله الرحمن الرحيم) با عدد آیهی موحدین (طسم) برابر و مساوی است؛ و همچنین با عدد مشرکین اهل آتش؛ از همین رو خداوند تعدادشان را با عدد آیهی موحدین برابر قرار داده است.

قال تعالى: (عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ * وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ) ([175])، والموحدون هم أصحاب اليمين في سورة المدثر الذين يدخلون الجنة بغير حساب، وهم أصحاب اليماني وصي ورسول الإمام المهدي (ع).

خداوند متعال می‌فرماید: (نوزده فرشته بر آن گماشته‌اند * موکلان دوزخ را جز از ملائکه قرار ندادیم و شمار آنها جز برای امتحان کافران نیست تا اهل کتاب یقین کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید و اهل کتاب و مؤمنان شک نکنند و تا آنان که در دل‌هاشان مرضی است و کافران نگویند: خدا از این مثل چه می‌خواسته است؟ خدا اینچنین هر کس را که بخواهد گمراه و هر کس را که بخواهد راه می‌نماید و شمار سپاهیان پروردگارت را جز او نداند و این سخن جز اندرزی از برای مردمان نیست) ([176])، و موحدین، همان اصحاب یمین در سوره‌ی مدثر هستند که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند و آنها یاران یمانی، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) می‌باشند.

قال تعالى: (كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ) ([177]).

خداوند سبحان می فرماید: (هر کس در گرو عملی است که کرده است * مگر اصحاب یمین) ([178]).

اقرأ بيان اليماني الأخير لتتضح لك الصورة أكثر، ولتزداد يقيناً - إن كنت تبحث عن الحق وكنت من الذين أوتوا الكتاب أو الذين آمنوا بالكتاب - قال تعالى: (وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا).

برای اینکه بیشتر بدانی و به یقینت افزوده گردد - اگر در جست و جوی حقیقت هستی و از کسانی باشی که کتاب به آنها داده شده است یا کسانی که به کتاب ایمان دارند - بیانیه ی اخیر یمانی را مطالعه کن. خداوند متعال می فرماید: (و شمار آنها جز برای امتحان کافران نیست تا اهل کتاب یقین کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید).

احسب معي: كلمة (وصي)، (اليماني)، (من هو اليماني)، (هو وصي)، (هو وصي المهدي)، (أصحاب اليمين).

با من حساب کن: کلمه ی «وصی»، «الیمانی»، «من هو الیمانی»، «هو وصی»، «هو وصی المهدي»، «اصحاب الیمین».

ولكن قبل أن نبدأ بالحساب، لنراجع ما خطته يمينك في كتابك (بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي (ع)) الفصل الثاني، حيث قلت فيه: (القرن السادس، النبوءة الثالثة والثلاثون: تمتد يده أخيراً في الألوس الدموي، سيكون عاجزاً عن حماية نفسه في البحر، سوف يخشي اليد العسكرية بين النهرين، وسيجعله الشخص الأسود الغاضب يندم على فعلته)، ثم استطردت في كتابك قائلاً: وهذه من أغرب التنبؤات التي ذكرها نوستر داموس حيث إنه ذكر الإمام المهدي (ع) بصورة لا تخطئه، ولقد احتار فيها المترجمون للتنبؤات في معنى الاسم الوارد في النبوءة، وذكرها أغلب المترجمين الاسم كما ورد (الوس)، بل إن البعض منهم قام بحذفه كما في الترجمة الإنكليزية، أمّا في الأصل الفرنسي فهي موجودة، وهنا

ترجم المترجم كلمة (ALUS) المذكورة في النبوة على إنها (الآلوس) (مضيفاً للكلمة ال التعريف العربية) ولا يعرف معناها، وتركها للتاريخ يحل لغزها حين تحدث تلك الواقعة، وأنا سأكشف عن ما قصده نوستر اداموس فيها، إن نوستر اداموس هنا وكعادته استخدم الجنس التصحيفي أو الترخيم، عندما يتعلق الأمر بأسماء أشخاص أو ألقابهم فلقد قام بحذف حرف (I) من نهاية الاسم؛ لأننا لو أضفنا هذا الحرف فإن الكلمة تصبح (ALUSI) (الوصي) ويصبح المعنى واضحاً جداً، حيث إننا نعرف أن لقب الأوصياء يطلق على الأئمة الاثني عشر من أهل البيت (ع) والإمام المهدي (ع) هو أحد الأوصياء إذا ممكن أن يطلق عليه (الوصي)، ويتفق نوستر اداموس هنا أيضاً مع ما يذهب إليه الشيعة.

ولی قبل از اینکه حساب را شروع کنیم سری به چیزهایی که خودت در کتابت به نگارش درآوردی می‌زنیم؛ «آغاز جنگ آمریکا علیه امام مهدی (ع) در فصل دوم کتابت گفته‌ای: قرن ششم - پیش‌گویی سی و سوم:

«در آخر دستش را به سمت آلوس خونی دراز می‌کند، از حمایت خود در دریا عاجز خواهد ماند و از سپاه بین‌النهرین خواهد ترسید و شخصی سیاه و خشمگین او را از کرده‌اش پشیمان خواهد کرد»
سپس در ادامه کتابت گفته‌ای:

این از عجیب‌ترین پیش‌گویی‌های نوستر اداموس می‌باشد که در آن به وضوح و نه به طور ضمنی امام مهدی (ع) را نام برده است. مترجمان در معنی نام وارد شده در این پیش‌گویی‌ها در حیرت مانده‌اند و بیشترشان آن را همان طور که وارد شده است یعنی «الوس» ذکر کرده‌اند. برخی از مترجمان از جمله در ترجمه‌ی انگلیسی، اقدام به حذف آن نمودند اما در اصل فرانسوی، این اسم موجود است و مترجم کلمه «ALUS» را به آلوس ترجمه کرده یعنی یک «ال» معرفه‌ی زبان عربی به آن اضافه کرده است، در حالی که معنایش را نمی‌داند و آن را به تاریخ واگذارده است یعنی تا زمانی که آن واقعه رخ دهد و معما حل شود؛ ولی من هدف و قصد نوستر اداموس را از این کلمه کشف کرده‌ام. در اینجا نوستر اداموس طبق عادت خود از جناس تصحیفی (یعنی انتخاب

کلمه‌ی غلط مشابه با کلمه‌ی اصلی) یا ترخیم (یعنی حذف حرفی از کلمه) استفاده کرده است. او هنگامی کلمه‌ای مربوط به اسامی یا القاب می‌باشد اقدام به حذف حرف «I» از انتهای آن کلمه می‌نمود؛ حال اگر ما این حرف را به انتهای کلمه اضافه کنیم کلمه‌ی ALUSI (الوصی) را خواهیم داشت و معنی بسیار واضح و آشکار خواهد شد چرا که ما می‌دانیم لقب اوصیا به ائمه‌ی دوازده‌گانه از اهل بیت (ع) اطلاق می‌گردد و امام مهدی (ع) نیز یکی از اوصیا می‌باشد و در نتیجه می‌تواند کلمه‌ی «الوصی» بر وی اطلاق گردد. در اینجا نوشته‌ی نوستراداموس با عقاید شیعه موافق و سازگار است.

ونوستر أداموس یصف هنا شخصاً معیناً قد یكون قائداً عسكرياً، أو رئیس دولة یحاول أن یقتل الإمام المهدي (ع)، أو القضاء علی قواته ویكون خائفاً من القوة العسكرية (جيش الإمام المهدي) الموجودة بین النهرین (العراق) ولكن رجلاً من جنود الإمام المهدي (ع) (وصفه بأنه أسود أي إنه (شیعی)؛ لأنّ اللباس الأسود یرمز إلى الشيعة، أو قد یكون رجلاً عربياً مسلماً من أفريقيا (أسود) سیقوم بالقضاء علیه وعلى قواته وهي في البحر (ربما في أحد الأساطیل الحربية أو في أحد حاملات الطائرات ویدمرها).

به علاوه نوستراداموس در اینجا شخص معینی را توصیف می‌کند که فرمانده نظامی یا رئیس کشوری است که سعی می‌کند امام مهدی (ع) را به قتل برساند و نیروهای وی را از بین ببرد ولی از سپاه (ارتش امام مهدی (ع)) که در بین النهرین (عراق) موجود هستند می‌ترسد؛ و یا مردی از سپاه امام مهدی (ع) که مردی سیاه توصیف شده یعنی او شیعه است؛ چرا که لباس سیاه اشاره به شیعه بودن دارد. یا شاید یک مرد عرب مسلمان آفریقایی (سیاه‌پوست) باشد، او و نیروهایش را در حالی که در دریا هستند از بین می‌برد (چه بسا در یکی از ناوگان‌های جنگی یا در یکی از هواپیماها).

وقبل أن أبدأ بالحساب لدي تعليق على كلامك المتقدّم، وهو أنّ الوصي المذكور في نبوءة نوستر أداموس ليس الإمام المهدي (ع)، بل هو وصي الإمام المهدي (ع)، وأول المهديين الاثني عشر أوصياء الإمام المهدي (ع)، وهو رسول الإمام المهدي (ع) ووليه الذي يلي أمره كما في الروايات، وهو يماني آل محمد الموعود الذي يدعو إلى الحق والملتوي عليه من أهل النار كما في الروايات عنهم (ع).

قبل از اینکه حساب را شروع کنم، شرحی به سخنان پیشین تو می‌دهم؛ وصیّ یاد شده در پیشگویی نوستراداموس امام مهدی (ع) نیست بلکه وصیّ امام مهدی (ع) و اولین مهدی از مهدیون دوازده‌گانه از اوصیای امام مهدی است. او فرستاده‌ی امام مهدی (ع) و جانشین او است که امرش را برعهده دارد، همان گونه که در روایات آمده است. او یمانی آل محمد، همان وعده داده شده‌ای است که به حق دعوت می‌کند و همان طور که در روایات ائمه (ع) وارد شده است، روی‌گردان از او از اهل آتش می‌باشد.

وفي وصية رسول الله (ص): (عن أبي عبد الله (ع)، عن آبائه، عن أمير المؤمنين (ع)، قال: قال رسول الله (ص) في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي (ع): يا أبا الحسن أحضر صحيفة ودواة، فأملى رسول الله (ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: يا علي إنه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الاثني عشر إمام، وساق الحديث إلى أن قال: وليسلمها الحسن (ع) إلى ابنه م ح م د المستحفظ من آل محمد (ع) فذلك اثنا عشر إماماً، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين، له ثلاثة أسامي اسم كاسمي واسم أبي، وهو عبد الله وأحمد والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين) ([179]).

در وصیت رسول خدا (ص) آمده است: از ابو عبدالله (ع) از پدرانش (ع) از امیر المومنین (ع) نقل شده است که فرمود: «پیامبر خدا (ص) در شبی که وفاتش بود به علی (ع) فرمود: یا ابا الحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن. پیامبر خدا (ص) وصیتش را املاً فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و

پس از آنها دوازده مهدی، و تو ای علی، نخستین دوازده امامی و حدیث را ادامه می‌دهد تا اینکه می‌فرماید: حسن (ع) خلافت را به پسرش م ح م د که حافظ دین آل محمد (ع) است بسپارد. اینان، دوازده امامند و پس از آنان دوازده مهدی هستند. پس هرگاه وفات مهدی (ع) رسد، باید امر خلافت را به پسرش، اولین مقربین (اولین مهدیین) بسپارد که برای او سه نام است: اسمی مانند اسم من و اسم پدرم عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی است که او، اولین مؤمنان است» ([180]).

و عن الصادق (ع)، إنه قال: (إنّ منا بعد القائم اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين (ع)) ([181]).

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «از نسل ما بعد از قائم دوازده مهدی از فرزندان حسین (ع) خواهند بود» ([182]).

و عن الصادق (ع)، قال: (إنّ منا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين (ع)) ([183]).

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «از نسل ما بعد از قائم یازده مهدی از فرزندان حسین (ع) خواهند بود» ([184]).

وفي هذه الرواية القائم هو المهدي الأول وليس الإمام المهدي (ع)؛ لأنّ الإمام (ع) بعده اثنا عشر مهدياً.

در این روایت قائم همان مهدی اول است نه امام مهدی (ع) چون بعد از امام مهدی (ع) دوازده مهدی خواهند بود.

وقال الباقر (ع) في وصف المهدي الأول: (... ذاك المشرب حمرة، الغائر العينين، المشرف الحاجبين، العريض ما بين المنكبين، برأسه حزاز وبوجهه أثر، رحم الله موسى) ([185]).

امام باقر(ع) در وصف مهدی اول فرموده است: «... دارای قرمزی صورت، چشم‌های گود، ابروهای برجسته، فراخ و پهنی میان دو شانه، در سرش شوره و در صورتش اثری است، رحمت خدا بر موسی باد» ([186]).

وعن أمير المؤمنين (ع) في خبر طويل: (... فقال (ع): ألا وإن أولهم من البصرة وآخرهم من الأبدال ...) ([187]).

و از امیرمؤمنان(ع) در خبری طولانی روایت شده است: «... فرمود: آگاه باش که اولین آنها از بصره و آخرینشان از ابدال است...» ([188]).

وعن الصادق (ع) في خبر طويل سمى به أصحاب القائم (ع): (... ومن البصرة ... أحمد ...) ([189]).

و از امام صادق(ع) در خبری طولانی که اصحاب قائم(ع) را نام برده است، روایت شده است: «... و از بصره... احمد...» ([190]).

وعن الإمام الباقر (ع) إنه قال: (له اسمان - أي للقائم -، اسم يخفى واسم يعلن، فأما الذي يخفى فأحمد وأما الذي يعلن فمحمد) ([191])، وأحمد هو اسم المهدي الأول، ومحمد اسم الإمام المهدي (ع) كما تبين من وصية رسول الله (ص).

و از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: « دو اسم دارد یعنی قائم- اسمی مخفی و اسمی آشکار؛ اما اسمی که پنهان می ماند احمد و اسمی که آشکار می شود

محمد است» ([192])، و احمد، اسم مهدي اول و محمد اسم امام مهدي (ع) است، همان طور که از وصیت رسول خدا (ص) آشکار شده است.

و عن الباقر (ع) : (إنَّ لله تعالى كنزاً بالطالقان ليس بذهب ولا فضة، اثنا عشر ألفاً بخراسان شعارهم: (أحمد، أحمد) يقودهم شاب من بني هاشم على بغلة شهباء، عليه عصابة حمراء، كأني أنظر إليه عابر الفرات، فإذا سمعتم بذلك فسارعوا إليه ولو حبواً على الثلج) ([193])، وأحمد هو اسم المهدي الأول ووصي الإمام المهدي (ع)، وأول المؤمنين بالإمام المهدي (ع) في بداية ظهوره، ورسول الإمام المهدي (ع) إلى الناس كافة، وفي دعاء اليوم الثالث من شعبان (يوم ولادة الإمام الحسين (ع)) الذي ورد عن الإمام المهدي (ع): (اللهم إني أسألك بحق المولود في هذا اليوم ... المعوض من قتله أن الأئمة من نسله، والشفاء في تربته والفوز معه في أوبته، والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته، حتى يدركوا الأوتار ويثأروا الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير أنصار، صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار، اللهم فبحقهم إليك أتوسل ...) ([194])، إذا تدبرت الدعاء تيقنت أن المراد بالأوصياء هم أوصياء الإمام المهدي (ع)، ومنهم أبوهم أول المهديين (ع) المذكور في الروايات، والذي ذكرته نبوءة نوستر أداموس اليهودي، لتكون حجة دامغة على اليهود والمسيحيين والعالم الغربي الذي يؤمن بهذه النبوءة، كونها صدقت في أحداث كثيرة مضت، وكونها جاءت على لسان يهودي فرنسي غربي منهم.

از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: « خداوند متعال گنجی در طالقان دارد که نه از طلا است و نه از نقره؛ دوازه هزار در خراسان که شعارشان «احمد احمد» است و رهبری آنها را جوانی از بنی هاشم که سوار بر قاطری خاکستری است و پیشانی بند قرمز رنگ دارد، بر عهده دارد. گویی به او می نگریم که فرات را می گذرد و اگر شنیدید، به سوی او بشتابید حتی اگر سینه خیز بر یخ و برف باشد» ([195]).

احمد، اسم مهدي اول و وصی امام مهدي (ع) و اولين ايمان آورنده به امام مهدي (ع) در آغاز ظهورش است و او فرستاده ی امام مهدي (ع) به سوی همه ی مردم

می‌باشد. در دعای روز سوم شعبان (روز ولادت امام حسین (ع)) که از امام مهدی (ع) نقل شده، آمده است:

(بارخدا! از تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز.... در عوض شهادتش، امامان و پیشوایان دین از نسل پاک او هستند و شفای هر مرض در تربت او و هر که را محبت او است در رجعتش پس از قائم آل محمد (ع) و طول غیبت رستگار خواهد بود تا آنکه به خون خواهی او برخیزند و خدا را خوشنود سازند و بهترین یاران دین خدا باشند. درود خدا بر آنان تا زمانی که آمد و شد روز و شب در جهان برقرار است. بارالها! به حق آنها به درگاه تو توّسل می‌جویم....) ([196]).

اگر در این دعا تدبّر کنی به یقین می‌رسی که منظور از اوصیا، اوصیا و جانشینان امام مهدی (ع) می‌باشند و از بین ایشان، پدرشان، اولین مهدیین (ع) می‌باشد که در روایت ذکر شده است. کسی که پیش‌گویی نوستراداموس یهودی گفته است که وی حجتّ قطعی بر تمام یهود و مسیحیان و جهان غرب خواهد بود؛ همان کسانی که به این پیش‌گویی ایمان دارند چرا که درستی آن را در بسیاری از رخدادها دیده‌اند و از آنجا که بر زبان یک یهودی فرانسوی از خودشان جاری شده است.

والآن بعد أن تبین لك أنّ الوصي المذكور في النبوءة هو وصي المهدي (ع)
أعرج بك على الحساب:

أولاً: (اليماني هو الوصي)

حال بعد از اینکه برایت روشن شد که وصی ذکر شده در پیش‌گویی همان وصی مهدی (ع) می‌باشد به حساب برمی‌گردیم:

اول: اليماني هو الوصي.

كلمة (وصي):

۱- و ص ي

بالجمع الكبير ، وتحول إلى الجمع الصغير: $106 = 10 + 90 + 6$

(7) = (1 + 6) فتكون بالجمع الصغير

۲- و ص ي

بالجمع الصغير $16 = 1 + 9 + 6$

كلمه ی «وصی»:

۱- و ص ی $106 = 10 + 90 + 6 =$ با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک:

$100 + 6$ بعد از حساب کردن با جمع کوچک: $7 = 1 + 6$.

۲- و ص ی $16 = 1 + 9 + 6 =$ با جمع کوچک.

کلمه (الیمانی):

۱- ا ل ی م ا ن ی

$142 = 10 + 50 + 1 + 40 + 10 + 30 + 1$

بالجمع الكبير، وتحول إلى الجمع الصغير، (2 + 40 + 100) فتكون بالجمع

الصغير (7 = (1 + 4 + 2)

۲- ا ل ی م ا ن ی

بالجمع الصغير $16 = 1 + 5 + 1 + 4 + 1 + 3 + 1$

كلمه ی «الیمانی»:

۱- ا ل ی م ا ن ی $142 = 10 + 50 + 1 + 40 + 10 + 30 + 1 =$

با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک: $100 + 40 + 2$

و بعد از حساب کردن با جمع کوچک: $7 = 1 + 4 + 2$.

۲- ا ل ی م ا ن ی $16 = 1 + 5 + 1 + 4 + 1 + 3 + 1 =$ با جمع کوچک.

فتبین لك مما سبق من الحساب أن كلمة:

(وصي) = (اليمني) = (٧) بعد حسابهما بالجمع الكبير وتحويله إلى الجمع الصغير.

(وصي) = (اليمني) = (١٦) بعد حسابهما بالجمع الصغير.

و از حساب های گذشته روشن شد که:

وصی = الیمانی = ٧ ، بعد از حساب کردن با جمع بزرگ و تبدیلیشان به جمع کوچک.

وصی = الیمانی = ١٦ ، بعد از حساب کردن آن دو با جمع کوچک.

ثانياً: عند السؤال عن شخص اليماني نقول: (من هو اليماني)، فإذا كان اليماني وصي الإمام المهدي (ع) (أي المهدي الأول المذكور في وصية رسول الله (ص))، يكون الجواب: (هو وصي المهدي) أو (هو وصي). وعدد المهدي هو:

ا ل م ه د ي

$$90 = 10 + 4 + 5 + 40 + 30 + 1$$

دوم: هنگام سؤال کردن از شخصیت یمانی می گوئیم «من هو الیمانی» (یمانی کیست) و اگر یمانی، وصی امام مهدی (ع) (یعنی مهدی اول که در وصیت رسول خدا (ص) ذکر شده است) باشد، جواب «هو وصی المهدی» (او وصی مهدی است) یا «هو وصی» (او وصی است) می باشد. عدد المهدی به صورت زیر است:

$$90 = 10 + 4 + 5 + 40 + 30 + 1 = ا ل م ه د ي$$

بالجمع الكبير وتحول إلى الجمع الصغير، (90) فتكون (9) = 9

والآن احسب:

(من هو اليماني)

م ن ه و + (ال ي م ا ن ي)

$$27 = (7) + 6 + 5 + 5 + 4$$

(هو وصي المهدي)

ه و + (و ص ي) + (ال م ه د ي)

$$27 = 5 + 6 + (7) + (9)$$

(هو وصي)

ه و + (و ص ي)

$$27 = 5 + 6 + (16)$$

با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک: $9 = 90$

حالا محاسبه کن:

$$= 4 + 5 + 5 + 6 + (7) = \text{من هو الیمانی: م ن ه و} + \text{(ال ی م ان ی)}$$

.27

$$= 5 + 6 + (7) + (9) = \text{هو وصی المهدی: ه و} + \text{(و ص ی)} + \text{(ال م ه د ی)}$$

.27

$$27 = 5 + 6 + (16) = \text{هو وصی} = \text{ه و} + \text{(و ص ی)}$$

فتبین لك أنّ عدد: (من هو الیمانی) = (هو وصی المهدی) = (هو وصی).

پس روشن شد که از نظر عدد: من هو الیمانی = هو وصی المهدی = هو وصی.

واحسب عدد (هو الیمانی) بالجمع الصغیر ستجده یساوی الـ (۲۷) حرفاً من

العلم التي یبثها القائم (ع) فی الناس.

با جمع کوچک، عدد «هو الیمانی» را حساب کن خواهی دید برابر با 27 حرفی که

قائم(ع) بین مردم منتشر خواهد ساخت، می‌شود.

عن أبي عبد الله (ع)، قال: (العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها الحرفين حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً) ([197]).

از ابو عبد الله (ع) روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آن چیزی که انبیا آورده‌اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو حرف از علم چیزی نمی‌دانند. پس اگر قائم، ظهور کند بیست و پنج حرف دیگر علم را نیز خارج و آن را بین مردم منتشر می‌کند و این دو حرف را نیز به آن می‌پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منتشر شود» ([198]).

ه و ا ل ی م ا ن ی

$$27 = 1 + 5 + 1 + 4 + 1 + 3 + 1 + 6 + 5$$

ثم احسب. عدد (أصحاب اليمين) في الآية: (كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ) ([199])، واليمين تحسب بالجمع الكبير وتحول إلى الجمع الصغير فتكون النتيجة.

$$27 = 1 + 5 + 1 + 4 + 1 + 3 + 1 + 6 + 5 = \text{ه و ا ل ی م ا ن ی}$$

سپس عدد «اصحاب اليمين» را در این آیه، حساب کن: (هر نفسی در گروه عملی است که انجام داده است * مگر اصحاب یمین) ([200]). «اليمين» با جمع بزرگ محاسبه و بعد به جمع کوچک تبدیل و نتیجه حاصل می‌شود:

ا ص ح ا ب + (ا ل ی م ا ن ی)

$$27 = (1 + 4 + 1) + 2 + 1 + 8 + 9 + 1$$

وقد عرفت أنّ رقم (٢٧) يمثل السبعة والعشرين حرفاً من العلم (المعرفة بالله وتوحيده سبحانه) التي يبثها الإمام المهدي (ع) في الناس.

ا ص ح ا ب + (ال ی م ی ن) = 1 + 9 + 8 + 1 + 2 + (1 + 4 + 1) = 27.
 و دانستی که عدد ۲۷ بیانگر بیست و هفت حرف از علم (شناخت خدا و توحید او سبحان) است که امام مهدی (ع) در بین مردم منتشر می کند.

ومن الحساب السابق تعلم أنّ الیمانی وهو وصی المهدی (ع) وهو المهدی
 الأول وعاء السبعة والعشرين حرفاً من العلم، فهو الوعاء الذي يستقبل الفيض من
 الإمام المهدی (ع) ويفيضة على أصحابه، فالیمانی نسبة إلى الإمام المهدی (ع)
 يكون النون ونقطة النون.

از محاسبات گذشته متوجه شدی که یمانی، وصی مهدی (ع)، و اولین مهدی، ظرف
 بیست و هفت حرف از علم می باشد؛ او ظرفی است که این فیض ها را از امام
 مهدی (ع) دریافت می کند و به یارانش می بخشد؛ پس یمانی نسبت به امام مهدی (ع)
 نون و نقطه ی نون می باشد.

قال تعالى: (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ * وَإِنَّ لَكَ
 لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ * فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ * بِأَيُّكُمْ الْمَفْتُونُ
 * إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ) ([201])، والیمانی
 نسبة إلى الثلاث مائة وثلاثة عشر أصحاب الإمام المهدی (ع) هو الباء، وهو نقطة
 الباء في بسم الله الرحمن الرحيم، فله مقاما الرسالة والولاية، فهو في هذا الزمان
 يمثل محمداً وعلياً (ع)، وهو المدينة وهو الباب، فأين تذهبون (وَمَا هُوَ بِقَوْلِ
 شَيْطَانٍ رَجِيمٍ * فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ * إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ
 * وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) ([202]).

خداوند متعال می فرماید: (نون. سوگند به قلم و آنچه می نویسند * که تو، به فضل
 پروردگارت، دیوانه نیستی * و تو را پاداشی پایان ناپذیر است * و تو بر خلقی عظیم هستی
 * زودا که تو بینی و آنها نیز ببینند * که دیوانگی در کدام یک از شما است * هر آینه
 پروردگار تو بهتر می داند چه کسی از طریق او گمراه گشته است، که او به ره یافتگان

داناتر است) [203] و یمانی نسبت به سیزده تن از یاران امام مهدی (ع) حرف بآ و نقطه‌ی حرف بآ در بسم الله الرحمن الرحیم است. پس او دارای دو مقام رسالت و ولایت می‌باشد. بنابراین او در این زمان شخصیت محمد (ص) و علی (ع) را تمثیل می‌کند. او شهر علم است، او در ب شهر است؛ پس به کجا می‌روید؟ (و آن سخن، سخن شیطان رجیم نیست * پس به کجا می‌روید؟ * این کتاب چیزی نیست جز پندی برای جهانیان * برای هر کس از شما که بخواهد به راه راست افتد * و شما نمی‌خواهید مگر آنچه را که پروردگار جهانیان خواسته باشد) [204].

ومن الحساب السابق تعلم أنّ أصحاب الیمین وهم أصحاب الیمانی أيضاً وعاء السبعة والعشرين حرفاً من العلم، فهم الوعاء الذي يستقبل الفيض من الیمانی وصی ورسول الإمام المهدي (ع) إلى الناس كافة، ثم إنهم يفيضون العلم على الناس، وهم الثلاث مائة والثلاثة عشر.

از محاسبات گذشته متوجه شدی که اصحاب الیمین که همان اصحاب یمانی هستند، ظرف بیست و هفت حرف علم می‌باشند. آنها ظرف‌هایی هستند که علم را از یمانی وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) به سوی همه‌ی مردم، دریافت می‌کنند و سپس به همه‌ی مردم می‌رسانند و ایشان، سیزده تن می‌باشند.

وأزیدك أيها الأخ:

إنّ أدلة الدعوة كثيرة، وقد جئت بما جاء به الأنبياء والمرسلون (ع) ومحمد (ص) والأئمة (ع)، وقد صنف أحد الإخوة أنصار الإمام المهدي (ع) وهو الأستاذ ضياء الزيدي عشرات الأدلة في كتابه النور المبين، وهو مطبوع ويمكنك الاطلاع عليه، وكذلك البلاغ المبين ج 1 للشيخ ناظم العقيلي (حفظه الله) ومن أدلة الدعوة:

ای برادر، اضافه می‌نمایم که:

دلایل دعوت، بسیار است و دلایلی که انبیا و فرستادگان (ع) و محمد (ص) و ائمه (ع) آورده بودند من هم آورده‌ام. یکی از برادران انصار امام مهدی (ع) به نام استاد ضیاء الزیدی، ده‌ها دلیل را در کتاب خود «نور المبین» به نگارش درآورده است؛ این کتاب چاپ شده است و می‌توانید آن را مطالعه نمایید، و همچنین کتاب «بلاغ المبین جلد ۱» نوشته‌ی شیخ ناظم عقیلی که خدا حفظش کند. از جمله دلایل این دعوت:

۱- الروایات عن الرسول محمد (ص) والأئمة والتي تنص على الاسم والبلد والصفات.

۱ - روایات رسول خدا محمد (ص) و ائمه (ع) که به اسم و شهر و ویژگی‌ها تصریح دارند.

۲- العلم بالمحکم والمتشابه وطرق السماوات، وهو من خصوصیات وأسرار الأئمة (ع).

۲ - علم به محکمت و متشابهات و راه‌های آسمان که از ویژگی‌ها و اسرار ائمه (ع) می‌باشد.

۳- المباهلة / قسم البراءة / الدعوة إلى الحق و ... و ... و.

۳ - مباهله، قسم برائت، دعوت به سوی حق و.... و.... و....

۴- الكشف في اليقظة والرؤى الصادقة في النوم التي رآها عدد كبير جداً من الناس بالرسول محمد (ص) وعلي (ع) والزهراء (ع) والأئمة (ع)، وهم يؤكدون على أحقية هذه الدعوة، والرؤيا بهم (ع) ثابتة، وإنها حق بالقرآن والروایات عنهم (ع).

۴ - مکاشفه در عالم بیداری و در رؤیاهای صادق که تعداد بسیار زیادی از مردم به وسیله‌ی حضرت محمد(ص)، علی(ع)، زهرا(ع) و ائمه(ع) دیده‌اند که ایشان بر حقانیت این دعوت تاکید کرده‌اند و صحت رؤیاهای آنها(ع) ثابت شده و از طریق قرآن و روایات ائمه(ع) ثابت شده است که حق می‌باشند.

إضافة لما قررته أنت وألزمت به نفسك من نبوءة نوستر أداموس في كتابك الفصل الثاني حيث نقلت هذا النص: (القرن الثالث، النبوءة الرابعة والتسعين لمدة خمسمائة سنة أخرى سوف ينتبهون إليه فهو زينة عصره، ثم سيبعث فجأة وحي عظيم سيجعل ناس ذلك القرن مسرورين).

به اضافه‌ی آنچه از پیش‌گویی‌های نوستر ادموس که تو خودت اقرار نمودی و خودت را به آنها ملزم نمودی؛ آنجا که در فصل دوم کتابت چنین متنی آورده‌ای: «قرن سوم، پیش‌گویی نود و چهارم: تا مدت پانصد سال دیگر او را درخواهید یافت. پس او زینت زمان خودش خواهد بود. پس به ناگاه وحی بزرگ فرستاده خواهد شد که مردم آن قرن را مسرور و خوشحال خواهد نمود».

فما هو الوحي العظيم إلا الرؤيا التي يراها عدد كبير جداً من الناس تبين الحق وصاحبه؟

آن وحی بزرگ چیست؟ جز رویاهایی که تعداد زیادی از مردم آنها را می‌بینید و حق و صاحبش را بیان خواهند کرد؟

اقرأ بتأن أيها الأخ، واجعل طلب الحق نصب عينيك، وابحث بدقة وأنصف نفسك وأنقذها من النار، أسأل الله لك الهداية إن شئت، وأن يريك الحق حقاً ويرزقك اتباعه، ويريك الباطل باطلاً ويرزقك اجتنابه.
والحمد لله وحده.

أحمد الحسن - جمادي الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

ای برادر با تأمل و اندیشیه بخوان، و همواره طلب حق را نصب العین خود بگردان (فقط در جست‌وجوی حق باش) و با دقت به بحث و بررسی بپرداز و با خودت به انصاف رفتار کن و خود را از عذاب جهنم نجات بده. از خداوند برای تو هدایت طلب می‌کنم و اینکه حقیقت را آن گونه که هست به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزیت گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزیات گرداند.

والحمد لله وحده.

احمد الحسن - جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق



[154] - هود: 103 - 104.

[155] - هود: 103 و 104.

[156] - الغيبة للشيخ الطوسي: ص 164 - 166 ح 127، و ص 336 ح 282، دلائل الإمامة للطبري (الشيعة): ص 529 - 530 ح 504، الاختصاص للشيخ المفيد: ص 209، الهداية الكبرى للحسين بن حمدان الخصيبي: ص 362 باختلاف يسير.

[157] - غيبة طوسی: ص 164 تا 166 ح 127 و ص 336 ح 282 ؛ دلائل الاثمه طبری (شيعه): ص 529 و 530 ح 504 ؛ اختصاص شيخ مفيد: ص 209 ؛ هدايت الكبرى حسين بن حمدان خصيبي: ص 362 با کمی اختلاف.

[158] - غيبة الشيخ الطوسي: ص 279، جمال الأسبوع: ص 306، مصباح الكفعمي: ص 547، مفاتيح الجنان: 618.

[159] - غيبة طوسی: ص 279 ؛ جمال الاسبوع: ص 306 ؛ مصباح كفعمی: ص 547 ؛ مفاتيح الجنان: ص 618.

[160] - ضرب المثلي عربي (مترجم).

[161] - قال أمير المؤمنين (ع) في إحدى خطبه: (... ولقد علمتم وعلم المستحفظون من أصحاب رسول الله (ص) إني وأهل بيتي مطهرون من الفواحش، وقد قال (ص) لا تسبقوهم فتضلوا ولا تخالفوهم فتجهلوا ولا تخلفوا عنهم فتهلكوا، لا تعلموهم فإنهم أعلم منكم كباراً وأحكمكم صغاراً...) مصباح البلاغة، مستدرک نهج البلاغة: ج 1 ص 142.

[162] - امير مومنان (ع) در یکی از خطبه‌هایش فرمود: «... و قطعاً دانستید و مستحفظان از اصحاب رسول خدا ص را شناختید. من و اهل بیتم از گناهان می‌زا هستیم. ایشان ع فرمود: از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و با آنها مخالفت نکنید که در جهل می‌مانید و از ایشان عقب‌نمانید که هلاک می‌گردید. به آنها نیاموزید که ایشان از شما عالم‌تراند و کوچک‌هایشان از شما حکیم‌تر...». مصباح البلاغة، مستدرک نهج البلاغة: ج 1 ص 142.

[163] - البقرة: 196.

[164] - بقره: 196.

[165] - عن عبد العزيز القراطيسي، قال: قال لي أبو عبد الله (ع): (يا عبد العزيز، إنَّ الإيمان عشر درجات بمنزلة السلم يصعد منه مرقاة بعد مرقاة، فلا يقولن صاحب الاثني عشر صاحب الواحد لست علي شيء حتى ينتهي إلى العاشر، فلا تسقط من هو دونك فيسقطك من هو فوقك، وإذا رأيت من هو أسفل منك بدرجة فارفعه إليك برفق ولا تحملن عليه ما لا يطيق فتكسره، فإن من كسر مؤمناً فعليه جبره) الكافي: ج 2 ص 45.

[166] - قال النبي (ص): (سلمان منا أهل البيت) عيون أخبار الرضا (ع): ج 1 ص 70.
وعن أبي عبد الله (ع): (الإيمان عشر درجات، فالمقداد في الثامنة، وأبو ذر في التاسعة، وسلمان في العاشرة) بحار الأنوار: ج 22 ص 341.

[167] - از عبد العزيز قراطيسي نقل شده است که گفت: ابو عبدالله (ع) به من فرمود: «ای عبد العزيز، ایمان ده درجه دارد که مانند نردبان است که پله پله باید از آن بالا رفت. فردی که دو پله بالا رفته نباید به کسی که در پله اول است بگوید که تو بهره‌ای نداری، تا اینکه به دهمین پله برسد. کسی که پایین‌تر از خودت است را ساقط نکن تا بالاتر از تو، تو را ساقط نکند و اگر کسی را در درجه‌ای پایین‌تر از خودت دیدی، او را با محبت بالا بکش و بر او بیش از توانش تحمیل مکن که می‌شکند و اگر کسی مومنی را بشکند، شکسته‌بندی‌اش بر او واجب می‌گردد». کافی: ج 2 ص 45.

[168] - پیامبر ص فرمود: «سلمان از ما اهل بیت است». عيون اخبار رضا (ع): ج 1 ص 70.
از ابو عبد الله (ع) نقل شده است که فرمود: «ایمان ده درجه دارد؛ مقدار در درجه‌ی هشتم، ابوذر در درجه‌ی نهم و سلمان در درجه‌ی دهم بود». بحار الانوار: ج 22 ص 341.

[169] - القصص: 5.

[170] - قصص: 5.

[171] - الإسراء: 46.

[172] - عن هارون، عن أبي عبد الله (ع)، قال: قال لي: (كتموا بسم الله الرحمن الرحيم فنعم والله الأسماء كتموها: كان رسول الله (ص) إذا دخل إلى منزله واجتمعت عليه قريش يجهر بسم الله الرحمن الرحيم ويرفع بها صوته، فتولى قريش فراراً فأنزل الله عز وجل في ذلك: (وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوُاْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا)) الكافي: ج 8 ص 266.
[173] - إسراء: 46.

[174] - از هارون از ابو عبدالله (ع) روایت شده است که به من فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم را کتمان کنید که به خدا سوگند اسماء بسیاری در آن مخفی است: هر وقت رسول خدا ص به منزلش وارد می‌شد و قریش دورش جمع می‌شدند، بسم الله الرحمن رحيم را آشکار و با صدای بلند می‌گفت. قریش پشت کرده، فرار می‌کردند. پس خداوند عزوجل در این خصوص نازل فرمود: (و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی، بازمی‌گردند و می‌رمند)». کافی: ج 8 ص 266.

[175] - المدثر: 30 - 31.

[176] - مدثر: 30 و 31.

[177] - المدثر: 38 - 39.

[178] - مدثر: 38 و 39.

[179] - الغيبة للطوسي: ص 150، غاية المرام: ج 2 ص 241، بحار الأنوار: ج 53 ص 147.

[180] - غيبت طوسي: ص 150؛ غاية المرام: ج 2 ص 241؛ بحار الانوار: ج 53 ص 147.

[181] - الغيبة للطوسي: ص 385، البرهان: ج 3 ص 310، بحار الأنوار: ج 53 ص 148.

- [182] - غيبط طوسى: ص 385 ؛ برهان: ج 3 ص 310 ؛ بحار الانوار: ج 53 ص 148.
- [183] - مختصر بصائر الدرجات: ص 38، الغيبة الطوسى: ص 478، بحار الأنوار: ج 53 ص 145.
- [184] - مختصر بصائر الدرجات: ص 38 ؛ غيبط طوسى: ص 478 ؛ بحار الانوار: ج 53 ص 145.
- [185] - غيبة النعماني: ص 223، بحار الأنوار: ج 51 ص 40، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 3 ص 237.
- [186] - غيبط نعماني: ص 223 ؛ بحار الانوار: ج 51 ص 40 ؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 3 ص 237.
- [187] - بشارة الإسلام: ص 148، مجمع النورين: ص 331، إلزام الناصب: ج 2 ص 174.
- [188] - بشارت الاسلام: ص 148 ؛ مجمع النورين: ص 331 ؛ إلزام الناصب: ج 2 ص 174.
- [189] - بشارة الإسلام: ص 181.
- [190] - بشارت الاسلام: ص 181.
- [191] - كمال الدين: ص 653، جامع أحاديث الشيعة: ج 14 ص 568، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 3 ص 41.
- [192] - كمال الدين: ص 653 ؛ جامع الاحاديث شيعه: ج 14 ص 568 ؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 3 ص 41.
- [193] - منتخب الأنوار المضيئة: ص 343.
- [194] - مصباح المتمهد: ص 826، مصبح الكفعمي: ص 543، مختصر بصائر الدرجات: ص 35، مفاتيح الجنان: ص 215.
- [195] - منتخب الانوار المضيئه: ص 343.
- [196] - مصباح المجتهد: ص 826 ؛ مصباح كفعمى: ص 543 ؛ مختصر بصائر الدرجات: ص 35 ؛ مفاتيح الجنان: ص 215.
- [197] - مختصر بصائر الدرجات: ص 117، بحار الأنوار: ج 52 ص 336.
- [198] - مختصر بصائر الدرجات: ص 117 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 336.
- [199] - المدثر: 38 - 39.
- [200] - مدثر: 38 و 39.
- [201] - القلم: 1 - 7.
- [202] - التكوير: 25 - 29.
- [203] - قلم: 1 تا 7.
- [204] - تكوير: 25 تا 29.